

بررسی اخلاقی فضیلتِ عدالت در آیات الاحکام «با رویکرد تحلیل اخلاقی آیات قصاص»

سید احمد هاشمی علی آبادی*
محمد جواد حسن زاده**

چکیده

مسئله این مقاله بررسی مصادیق اخلاقی فضیلتِ عدالت «با رویکرد تحلیل تربیتی آیات الاحکام» در آیات مربوط به قصاص است. ما ضمن بررسی ارتباط میان دو حوزه اخلاق و فقه در بستر تعامل شبکه‌ای آیات مربوط به قصاص با تکیه بر روش تفسیری آیه به آیه و نیز مراجعه به منابع تفسیری مسئله تحقیق را پی گرفته‌ایم هدف این تحقیق نشان دادن تأثیر قابل توجه آموزه‌های اخلاق اسلامی در آیات فقهی و به صورت خاص در مسائل قصاص است. پشتیبانی اخلاقی از دستورات فقهی بر اساس آیات و شیوه تدریجی بیان آیات قصاص، دو محور تجلی یافته این هدف به شمار می‌آید. بر این اساس یافته‌های این پژوهش پس از استنباط آموزه اخلاقی «عدالت» در آیات قصاص، تبیین عدالت مورد نظر درسه شکل محوری است: «مساوات در کمیت»، «بخشش بعد از اثبات جرم» و «ملتزم بودن به مماثلت در شئون اجتماعی و اعضای خاص». شیوه داده‌پردازی مقاله حاضر کتابخانه‌ای و روش بررسی محتوایی آن توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: آیات احکام، ارتباط فقه و اخلاق، قصاص عادلانه، عدالت.

* استادیار گروه مدرسی معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. (seyedahmad53@gmail.com)

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف، گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران.

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸)

۱. طرح مسئله

فهم روشمند علوم دینی و راز تفاوت‌های آن‌ها با علوم متقارن و مشابه به منظور رویکردی جامع و مانع به آن‌ها و نوع استنتاج مسائل آن از منابع اولیه دین از ضرورت‌های پیشینی این علوم به حساب می‌آید. از بستر منابع اولیه و وحیانی اسلام، علوم مختلفی مربوط به نیازهای اعتقادی، روحی و اجتماعی انسان‌ها پدید آمده و عوامل مختلفی در رویش و گسترش آن‌ها مؤثر بوده است. از جمله آن‌ها می‌توان به دو علم اخلاق و فقه اشاره کرد. (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۳) از این رو بیان جنبه‌های اخلاقی احکام فقهی یکی از مهم‌ترین عوامل آرام‌بخش در برون‌رفت از گیرودارهای حقوقی پیچیده و مسئله‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز است. در مغرب زمین قانون‌گذاری صرف و جعل حقوق به تنهایی ره به جایی نبرد و متفکران آن‌ها به سمت اخلاق آمدند.^۱ در ادبیات رفتاری و گفتاری اسلام، اخلاق حتی از جهاتی مقدم بر اعتقادات است؛ تا آنجا که پیامبر اسلام، فلسفه وجودی بعثت خود را اكمال ارزش‌های اخلاقی برمی‌شمرد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۲/۴) تأکید بر اصول اخلاقی فردی و اجتماعی با تبیین‌های مختلف در قرآن و سنت معصومین همواره جاری بوده است؛ از این رو ضرورت دارد این مهم از جنبه‌های مختلف و به خصوص با نگاه به آیات الاحکام بررسی گردد به خصوص در مورد آیاتی که در نگاه بدوی ضد اصول اخلاقی می‌نمایند مانند آیات مربوط به قصاص. لازم به ذکر است اجرای قانون قصاص در دین اسلام باید همواره مسیری اعتدالی را داشته باشد. طبیعت مسئله قصاص به گونه‌ای است که همواره با استعمال سطوت و

۱. سازمان جهانی یونسکو همه سازمان‌های تحقیقاتی و صنفی را ملزم به تدوین منشور اخلاقی کرده است. بر این اساس سازمان‌هایی که فاقد چنین منشوری باشند، از استاندارد بین‌المللی برخوردار نخواهند شد. ر.ک: universal declaration on bioethics and human right. October 2005

خشم سروکار داشته است. حکیم متعال منحرفین از جاده اعتدال را دوست نداشته و خود را همراه رعایت‌کنندگان دستورات الهی می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۹۲/۲).

مسئله‌ای که این مقاله درصدد اثبات آن است، ارتباط تأثیر و تأثری بین دو مقوله اخلاق و فقه در حوزه قصاص است. از این رو خداوند متعال در آیات مربوط به قصاص قیده‌های اخلاقی را آورده تا جایی که همه آیات با یک صفت اخلاقی حکیمانه پایان می‌پذیرد.

سؤال اصلی پژوهش پیش رو چگونگی رابطه آموزه‌های اخلاقی با مسأله قصاص در مجموعه آیات القصاص قرآن است. این مسئله می‌تواند به‌عنوان یک کلان طرح در رابطه با ابعاد رویکردهای فقهی قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و در مباحثی مانند عفو و بخشش، تقوای حقوقی محکمه‌ای، حیات طیبه در بحث جرم و جزا مورد توجه قرار گیرد. همچنین استنباط اصول اخلاقی مسئله قصاص خود می‌تواند نقدی بر شبهات جدایی دین از اخلاق و شاخه‌های اخلاق عرفی و سکولار باشد.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و هدف نهایی آن زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی بیشتر اخلاق کاربردی با محوریت عدالت در حوزه آیات الاحکام قصاص است که با فرضیات ذیل تایید می‌شود:

۱. در احکام و قوانین اسلامی به ویژه در آیات شریفه، ارتباط هماهنگ اخلاق و فقه به‌ویژه گرایش سازنده بودن اخلاق نسبت به فقه وجود دارد. از این رو می‌توان همراهی مضامین کلامی، اخلاقی و اجتماعی در آیات الاحکام را مشاهده کرد. این همراهی گاهی به‌عنوان بیان فلسفه و حکمت احکام فقهی و گاهی مکمل احکام فقهی قلمداد شده تا جامعیت و شمولیت دیدگاه خداوند به تمام جنبه‌های دستورات اسلامی را برساند.

۲. در اسلام جزای کشتن یک فرد، تنها یک فرد نه بیشتر است. زمانی که ولی دم بر قاتل چیره شد نباید در جزائی که اسلام به او اجازه داده، ظلم کند و بیش از حق خود که

فقط کشتن یک نفر است انتقام بگیرد.

۳. بعد از آنکه ولی دم عفو و تخفیف را به جای قصاص انتخاب کرد، حق ندارد به قاتل صدمه‌ای وارد کرده و انتقام بگیرد. هم‌چنین برخی از احکام اخلاقی قصاص همچون ظلم نکردن به حقوق دو طرف و عدم رعایت قوانین و مقررات الهی مانند زیاده‌روی در کیفیت اجرای قصاص، مثله کردن جسم قاتل در صورت اعدام، تعرض به قاتل و کشتن او پس از عفو از این موارد است.

۴. اجرای کامل قصاص در بستر اخلاق اسلامی نیازمند رعایت شرایط تحقق بخشیدن عدالت در راستای رسیدن به هدف قصاص است. یکی از آنها، پایبندی به اصل مماثله است. اجرای اصل مماثله به دو بخش جزئی‌تر قابل تقسیم است. بخش اول تحت عنوان «مماثله در شئون اجتماعی» است که در آن از تماثل در سه قید «ذکوریت»، «حریت» و «رقیت» سخن به میان می‌آید. بخش دوم مربوط به مماثله درباره اعضای خاص است که جنبه دیگری از مماثله و یکسانی قصاص در اعضای قاتل و مقتول تلقی می‌گردد.

۲. رعایت آموزه‌های اخلاقی و پذیرش انسان‌ها در بیان آیات قصاص

در نگاه برخی از دانشمندان، علم اخلاق از برترین و شریف‌ترین علوم انسانی شمرده است که عنوان علم فقط برازنده آن است (مسکویه، ۱۳۸۳: ۳۰). این گروه از علما دانش اخلاق را اکسیر اعظم (نراقی، ۱۴۲۲: ۱/۲۷) و طب روحانی خوانده‌اند (همان: ۵۷) همچنین اخلاق نزد خواجه‌نصیرالدین طوسی از مبانی اثبات شریعت و مقدم شمرده شده است. (حلی، ۱۳۷۵: ۴۱۸) در بستر تعامل متشابه علوم اسلامی نیز میان دو دانش فقه و اخلاق ترابطی عمیق برقرار است. (محمدی، ۱۳۹۵: ۳۶۷)

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم نیز در بیان احکام فقهی، بسنده نکردن به

دستورات صرفاً فقهی - حقوقی است. در این راستا قرآن رابطه معناداری بین دستورات فقهی و نتایج اخلاقی آن برقرار کرده است. در بیشتر موارد می توان همراهی مضامین کلامی، اخلاقی و اجتماعی در آیات الاحکام را مشاهده کرد. اخلاق، سلامت روحی و روانی افراد جامعه اسلامی و فقه، جاری سازی قانون های شریعت را وظیفه خود می داند. (محمدی، ۱۳۹۵: ۳۶۸)

اکثر ادیان نیز به طرح فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته اند و صفاتی چون تواضع، صداقت و مهربانی به عنوان صفات لازم و مورد وفاق تمام ادیان است. (ر.ک جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۲۲) از جمله مشترکات میان ادیان قاعده زرین است یعنی «هر آنچه برای خود می پسندی برای دیگران نیز باید پسندی»^۱ اخلاق در ادیان ابراهیمی نیز اهمیت زیادی دارد. برخی از اندیشمندان مسلمان عبارت «خداوند آدم را به صورت خودش آفریده است»^۲ (کلینی، ۱۴۰۱: ۱/ ۱۳۱) را ناظر به حرمت و کرامت انسان نزد خداوند دانسته اند. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۶۳۲) و برخی دیگر گفته اند مراد از حدیث این است که آدم مظهر اسماء و صفات الهی است. (آملی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۳۷).^۳ همچنین اهتمام به اصول اخلاقی، امر مشترک و مقبول میان تمام فرق مسیحیت است. (ر.ک: استرول، ۱۴۰۲: ۴۳-)

۱. درباره تطبیق قاعده زرین در ادیان مختلف، رجوع شود به مقاله ای با عنوان «قاعده زرین در حدیث و

اخلاق»، تألیف سید حسن اسلامی، مجله علوم حدیث، ش ۴۵- ۴۶، پائیز و زمستان ۱۳۸۶ و کتاب کلیات اخلاق کاربردی نوشته حسن بوسلیکی، ص ۶۸- ۷۹؛ کلینی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صَوْرَتِهِ.

۳. درباره تحلیل جنبه های مختلف حدیث روایت «خلق آدم علی صورته»، رجوع شود به مقاله «تحقیق در متن و اسناد حدیث ان الله خلق آدم علی صورته و نقد دیدگاه ابن عربی»؛ اثر مصطفی آذرخشی و منصور پهلوان؛ مجله پژوهش های قرآن و حدیث، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

۳۵) محوریت اصول اخلاقی در گفتار و سیره نبی مکرم اسلام به حدی بوده است که مکارم اخلاقی حبل‌المتین میان خدا و بندگان معرفی شده است. (ورام، بی‌تا: ۳۶۲) و اخلاق را ملاک ارزشمندی افراد معرفی کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۴: ۶۷/۱۹، ح ۲۴۱۶۷)

از آنجا که فهم و عمل به آموزه‌های اخلاقی-تربیتی قرآن مستلزم بسترسازی درونی مخاطبان قرآن بوده است، این معارف به صورت تدریجی و گام به گام از سوی پیامبر اسلام برای انسان‌ها تبیین گردید تا فهمی آسان همراه با پذیرش قلبی داشته و بهتر عملی گردد. جریان تدریجی تشریح حرمت شراب یکی از بهترین نمونه‌های قرآنی برای این روش است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۵/۹۴-۹۱) نیز آیات مربوط به تشریح حکم جهاد، حرمت ربا و وجوب حجاب از این دست آیات است. آیات مرتبط با موضوع قصاص

۱. اهمیت بخشیدن به آموزه‌های اخلاقی در دین اسلام با تقسیم‌بندی علوم به سه دسته کلی آیات، فرائض و سنن آغاز می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۱: ۱/۳۲) عبارت «سنه قائمه» نزد دانشمندان اسلامی به اخلاق تفسیر شده است. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳: ۲/۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱/۱۳۴؛ ملا صالح مازندرانی، ۱۳۴۲: ۲/۲۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۸۵) استاد مطهری معتقد است آموزه‌هایی که مربوط به خوی و خلق انسان است اخلاق خوانده می‌شود؛ و چیزهایی که مربوط به عمل و کار انسان است فقه نام‌گرفته است (مطهری، بی‌تا: ۳/۵۸). ملاصدرا می‌گوید مسائل دین در سه محور اساسی شکل یافته است، معارف، احوال و اعمال. معارف اصول و بنیان‌های دین‌اند که احوال را در پی خود می‌آورند. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۱/۲۵) پیامبر گرامی اسلام هدف از بعثت خود را ترویج کرامت‌های اخلاقی معرفی کرده است. (قمی، ۱۴۲۲: ۱/۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۴: ۲/۴) حضرت رسول در جواب این سؤال که دین چیست؟ فرمودند: «دین همان اخلاق حسنه است.» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۶/۲۸۵) همچنین آزاد کردن دختر حاتم طائی به پاس فضائل اخلاقی پدرش (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۹۳) سیره امام علی با اسراء (نوری، ۱۴۰۸: ۲/۲۳۸) و سیره دیگر ائمه به‌ویژه حکومت حضرت حجت معیار ماست. (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۲: عنوان مقاله: «اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مؤلفه تربیت اخلاقی و عدالت ورزی»؛ همو، ۱۳۸۹: عنوان: «واکاوی مورد پژوهانه اکمال اخلاقی و عدالت‌طلبی در عصر ظهور با توجه به ماهیت نظام اخلاقی دین» به موضوع اخلاق در حکومت آخرالزمان پرداخته است).

نیز از اصل «همراهی نکات فقهی با آموزه‌های اخلاقی» و «رعایت پذیرش درونی انسان‌ها» مستثنا نبوده است.^۱

بر این اساس آیات مرتبط با موضوع قصاص به چند دسته تقسیم می‌شوند:
دسته اول آیاتی است که بر اصل حرمت آدمکشی و کشتن نفس دارای احترام دلالت دارد؛^۲

دسته دوم بعد از اثبات اصل حرام بودن کشتن انسان‌ها، برای محکم کردن این نهی اجتماعی سخن از تبعات منفی قتل همچون فساد اجتماعی و تشبیه کشتن یک انسان به قتل عام همه بشریت اشاره دارد.^۳ فلسفه چنین تشدید این است که خداوند می‌خواهد مؤمنین و افراد جامعه را از این عمل زشت بر حذر دارد تا مبادا کسی دست به قتل بی‌گناهی بزند. شبیه این سخن سترگ، در آیه ۹۳ سوره نساء آمده است. در آنجا خداوند می‌فرماید: «کشتن عمدی مؤمن سبب خلود و بقاء همیشگی در آتش دوزخ است.»^۴ این نوع سخن گفتن در نگاه مردم به‌ویژه مؤمنین که اعتقاد به معاد دارند نقش بازدارندگی جدی دارد.

۱. لازم به ذکر است که تدریج در احکام به دو قسم می‌باشد: «تدریج در بیان احکام» و «تدریج در تشریح احکام». تدریج اول به معنای جعل پیشینی ولی عدم اظهار و ابلاغ آن تا زمان مشخص، اما تدریج دوم به معنای تناسب جعل و تشریح با زمان و احوال مکلفان است. به عنوان مثال روایاتی که دال بر عدم ابلاغ برخی احکام تا زمان ظهور حضرت بقیه الله هستند، نشان از وجود «تدریج در بیان» و ابلاغ است نه جعل، و آیات مربوط به جعل حرمت شراب از سنخ تدریج در تشریح هستند.

۲. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» انعام، ۱۵۱.

۳. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» مائده، ۳۲.

۴. «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعَصَبَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» نساء، ۹۳.

دسته سوم بعد از بیان حرمت و بر حذر کردن مردم، حکم هر يك از عمدی یا خطایی بودن قتل، کیفر قصاص و دیه و كفاره را بیان می‌کند. علت اینکه خداوند احکام قتل غیر عمدی، حدود، دیات و تعزیرات را نیز بیان کرده است؛ اهمیت اجرای نظم عمومی در نظام اسلامی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۱۵۹). از این رو برای آنکه هر کس به دنبال انتقام از قاتل نیفتد، خداوند نحوه انتقام‌گیری و متولی آن را بیان کرده است. خداوند از هرگونه ظلم کردن در انتقام به شدت نهی کرده است. به طور مثال مواردی که قصاص ممکن نباشد خداوند دستوری را جایگزین قصاص نهاده تا به هیچ‌یک از طرفین ظلم نشود. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳/۳۴۴) هم‌چنین در آیه ۱۷۸ سوره بقره^۱ حکم قصاص بیان شده اما خداوند به همین مقدار بسنده نکرده و در انتهای آیه وعده عذاب الیم برای متجاوزگران معین کرده است. خداوند تنها به احکام حقوقی-فقهی قصاص بسنده نکرده؛ بلکه نکات اخلاقی، کلامی و حتی سیاسی قصاص را نیز در دل این آیات جای داده است. (نهایندی، ۱۴۲۹: ۱/۳۹۵).

۳. آموزه اخلاقی عدالت در آیات قصاص

یکی از فضایل مهم اخلاقی عنوان عدالت و تجاوز نکردن از حدود مشخص شده نسبت به حقوق دیگران است. عدالت در آیات القصاص به سه طریق «رعایت مساوات در کمیت»، «ظلم نکردن بعد از تخفیف» و «مماثله در اجرای قانون قصاص» آمده است. این فضیلت اخلاقی، به طور صریح در آیات قصاص نیامده اما می‌توان آن را به دلالت التزامی از آیات ذیل استنباط کرد. اولین آیه مورد مثال، آیه ۱۷۸ سوره بقره است.

۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى... فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» بقره، ۱۷۸.

خداوند در این آیه می‌فرماید: «ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده را به جای بنده و زن را به جای زن قصاص توانید کرد؛ و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد، کاری است نیکو؛ پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود»^۱

کاملاً می‌توان از مضمون این آیه مماثله در قصاص را دریافت کرد. همچنین نیکو بودن گذشت از حق قصاص، امری کاملاً اخلاقی است که رحمت الهی را در پی دارد. آیه دوم در سوره بقره و در آیه ۱۹۴ آمده است: «ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است»^۲

در این آیه نیز رعایت مساوات در میزان قصاص (به قدر ستمی که به شما رسانده است) مورد تأکید قرار گرفته است

آخرین شاهد، آیه ۴۵ سوره مائده است؛ «و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

۲. «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»

به گوش و دندان را به دندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود. پس هرگاه کسی حق قصاص را ببخشد کفار او خواهد شد و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود.^۱

این آیه نیز مماثله در اجرای قانون و ظلم نکردن بعد از تخفیف مورد تاکید قرار گرفته و هشدار می‌دهد که پرهیز از خروج از جاده عدالت که دستور الهی و صراط مستقیم است.

۴. مصادیق اخلاقی عدالت در آیات قصاص

طبیعت و ویژگی مسئله قصاص به گونه‌ای است که با استعمال شدت و سطوت و خشم سروکار دارد چرا که انسان‌ها پی در پی در معرض انحراف از طریق حق به سوی طغیان و انحراف قرار دارند. بدین جهت قرآن کریم در آیات قصاص تنها به بیان احکام قصاص اکتفا نکرده است. خداوند بر اساس حکمت و رحمت خویش و جلوگیری از افراط و تفریط انسانها در صدد است تا طریقه اجرای قصاص در صراط مستقیم قرار گیرد و «قصاص» در کنار «عفو» شکلی عادلانه به خود گیرد. بعد از واکاوی آیات قصاص، عنوان عدالت در سه بخش ذیل استنباط شده است.

۴-۱. مساوات در کمیت

در عصر نزول قرآن اصول اخلاقی ارزش چندانی نداشت؛ اگر از مردم و قبیله‌های پرقدرت کسی کشته می‌شد مردم آن قبیله بیش از حق خود عقوبت کرده، قصاصی

۱. «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا انِ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

ناعادلانه می‌گرفتند و حتی گاهی جنگ‌های طولانی به راه می‌افتاد تا آنجا که حتی تمام طائفه قاتل را نابود می‌کردند؛ اما این رویه ظالمانه در اسلام نسخ و قانون مساوات لازم شد. (فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۳۲۷/۱) در حقیقت این حکم اسلام حد وسطی بود میان دو حکم مختلف در عصر جاهلیت؛ و به‌طوری عادلانه مسیر سعادت جامعه را پیشنهاد داد. نه آن را به‌کلی حذف کرد و نه بدون حدود مرز اثبات کرد. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱/۶۶۰).

یکی از آیاتی که به برابری کمیت قاتل و مقتول اشاره دارد آیه ۴۵ سوره مائده است.^۱ در این آیه خداوند رسم ظالمانه جاهلیت را نقض کرده و جزای کشتن «نفس» واحده را تنها در «نفس» واحده نه «نفوس» که مشعر به تعدد است، تشریح کرده است. (جوادی، ۱۳۸۵: ۱۶۱/۹). همچنین از برخی تعابیر آیه ۱۷۸ سوره بقره^۲ به دست می‌آید که جزای کشتن یک فرد آزاد، تنها یک فرد آزاد نه بیشتر است. همچنین باید در قصاص یک عبد و یا یک زن تنها به یک نفر عبد و یک زن اکتفا کرد و الا قانون مزبور ظالمانه خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/۶۸۱)^۳ گرچه در ظاهر تنها قاتل مکلف به قانون شده و ولی دم مختار در انتخاب قصاص یا عفو، اما در فرض انتخاب قصاص، او نیز از طرف قانون اسلام مکلف است که در ازای جان مقتول، تنها جان قاتل نه بیشتر را بگیرد. در نتیجه در قانون قصاص اصل تساوی و عدالت مورد توجه است. (قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/۲۷۳) و دین

۱۷۹ . ۱. وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ (مائده، ۴۵)

۲. «الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى»

۳. درباره ظالمانه بودن قانون قصاص و یا خیرخواهی الهی در آن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برای مطالعه درباره منافات نداشتن خیرخواهی الهی در جعل حکم قصاص و تعبیر «کتب علیکم» که مشعر به متضرر بودن آن است (ر.ک: بقاعی ۲۰۰۳: ۳/۳۳۱).

مبین اسلام هرگونه اسراف و کشتن ناحق را نهی کرده است.^۱

طبق دیدگاه برخی از مفسرین، اجرای اصل عدالت در مقام مقابله مثل سبب نمی‌شود که رفتاری حلال و جایز، صورت شرعی حرام بگیرد زیرا مقابله به مثل با رعایت شرط عدالت در اعتداء سبب بقای فعل در زمره افعال مشروع و مأذون می‌شود. (طوسی، ۱۴۳۱: ۲/ ۱۵۱-۱۵۰)

کیفیت جعل و تشریح قانون اسلامی درباره قصاص قاتل، مطابق با اصل اخلاقی مهمی چون عدالت است. براین اساس زمانی که ولی دم بر قاتل چیره شد نباید در جزائی که اسلام به او اجازه داده ظلم کند یعنی ولی دم نباید اسراف را انتخاب کرده، بیش از حق خود که فقط کشتن یک نفر است انتقام بگیرد. اسلام در آنجایی که قتل به عمد صورت نگرفته اصل اولی را بر قصاص و گرفتن جان خطاکار نگذاشته و در جزای آن خطا تنها به دیه کفاره اکتفا کرده است. (نساء: ۹۲)

۴-۲. عدالت اخلاقی بعد از عفو

خداوند متعال بر اساس حکمت خویش می‌خواهد مجموعه‌ای کاملاً انسانی را ایجاد کند تا به «قصاص» و «عفو» شکلی عادلانه ببخشد. از طرفی روش فاسد دوران جاهلیت را که هیچ‌گونه برابری در قصاص نداشت محکوم کرده و راه عفو و بخشش را به روی مردم بازنماید. خداوند متعال هر دو فقره قصاص و عفو را در بستر عدالت اراده کرده و نمی‌خواهد از ارزش خون کاسته شود. همچنین بعد از تحقق بخشش از سوی ولی دم و یا گرفتن خون‌بها، اجازه تعدی و ظلم به یکدیگر را نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/

۱. «فلا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» (اسراء: ۳۳)

۶۸۱). بدین سبب خداوند مجموعه‌ای را تعریف کرده که تمام اعضا به‌طور یکسان از حکمت الهی بهره‌برند.

یکی دیگر از جلوه‌های عدالت اخلاقی قصاص، رفتار بعد از عفو ولی دم است. بعد از آنکه ولی دم عفو و تخفیف را به‌جای قصاص انتخاب کرد، حق ندارد به قاتل صدمه‌ای وارد کرده انتقام بگیرد. (طوسی، ۱۴۳۱: ۱۰۲/۲)^۱ عدم رعایت این اصل اخلاقی پیامدی چون عذاب الیم را دارد. (بقره: ۱۷۸)

عدالت در حوزه عفو بعد از قصاص سه مصداق دارد:

۱. تشریح اصل عفو در کنار قصاص از طرف خداوند؛

شارع مقدس نگاهی تک‌بعدی به قضیه قصاص نداشته و راه‌گذشت را نیز باز نگه‌داشته است.

۲. ممنوع بودن تجاوز ابتدایی به حقوق دیگران و نیک شمردن آن در برابر رفتار خصمانه دیگران؛

خالق متعال با اینکه متجاوزان را دوست نمی‌دارد به مسلمانان دستور داده که به متجاوز تعدی کنند زیرا اعتداء و تجاوز زمانی مذموم است که در مقابل تجاوز دیگری واقع نشود یعنی ابتدائاً از مسلمانی نباید تجاوز و پایمال کردن حقوق دیگران صورت

۱۸۱. برخی از پژوهشگران آیات احکام، معتقدند یهودی‌ها در قتل‌ها و جنایات، تشریحاً محکوم و مجبور به‌خصوص قصاص بوده‌اند و در تورات راجع به قتل عمد فقط حکم قصاص آمده و جواز عفو تشریح نشده است. همچنین در انجیل فقط عفو آمده است. از این رو آیه (ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ) را ویژه امت اسلامی دانسته‌اند و خداوند درباره مسلمانان این تخفیف و رحمت را رواداشت که ولی دم می‌تواند قصاص، عفو یا مصالح کند و مجبور به قصاص نیست. (سوری، ۱۳۷۳: ۳۵۶/۲). در مقابل برخی دیگر چنین انحصاری را باطل دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۳۱: ۱۰۳/۲)

گیرد اما اگر در برابر تجاوز دیگران به صورت عکس‌العملی عادلانه در عین اینکه تعدی خوانده می‌شود؛ اما دیگر قبیح نیست زیرا عنوانی مقدس را به خود می‌گیرد. شبیه همین برخورد در تکبر دیده می‌شود یعنی برخورد متکبرانه با دیگران ابتدائاً قبیح تلقی می‌شود اما زمانی که مسلمان با فردی متکبر برخورد می‌کند به توصیه اهل‌بیت باید تواضع را کنار گذاشته رفتاری شبیه به متکبر داشته باشد تا با این عملکرد منش متکبر اصلاح گردد.

با توجه به آیه ۹۴ سوره مائده^۱ برخی از مفسرین گستره عدالت در عفو را هم نسبت به قاتل و هم مربوط به مقتول دانسته، معتقدند اگر قاتل پس از عفو ولی دم تعدی کرده و به قتل دوباره دست بزند مورد این تهدید الهی نهاده شده و عذاب الیم را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین تجاوز از حدود الهی و سوءاستفاده از آن ممنوع است. (جوادی، ۱۳۸۵: ۹/۱۷۲؛ قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/۲۷۴). به نظر می‌رسد این دیدگاه صحیح است و آیه شامل هر دو طرف متخاصم می‌باشد. مؤید این ادعا آیه ۹۵ سوره مائده^۲ است که خداوند مجازات هرگونه تجاوزگری را انتقام الهی از فرد گناهکار معرفی می‌کند.

۳. موارد خارجی اجرای عدالت در حوزه عفو بعد از قصاص؛

برخی از عناوین همچون «زیاده‌روی کردن در کیفیت اجرای قصاص به مثله کردن جسم قاتل»، «تعرض به قاتل و کشتن او پس از عفو» (فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۱/۳۲۷؛ طوسی، ۱۴۳۱: ۲/۱۰۲) و «تعدی قاتل بعد از عفو یا دیه به قتل عمدی دیگر»، می‌تواند

۱. «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

۲. وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ

مصداقی برای واژه «اعتدی» در آیه مورد بحث باشد. (جوادی، ۱۳۸۵: ۹/ ۱۷۲). فلسفه چنین حکمی این است که حق ولی دم با عفو از قصاص ساقط شده و ایشان همچون دیگران نسبت به قاتل غریبه است. این مصدق در روایات نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (کلینی ۱۴۰۱: ۷/ ۳۵۸؛ عیاشی ۱۳۸۰: ۱/ ۷۶). همچنین هرگونه تجاوزی از حدود مقرر در آیه مزبور برای قاتل یا ولی دم یا سایر افرادی که به نحوی در جریان قتل حضور داشتند مشمول عذاب دنیوی و اخروی اعتداست. (نهایندی، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۹۶)

بنابراین اجرای قانون قصاص در دین اسلام همیشه مسیری اعتدالی و حد وسطی را داشته است. همان طور که نباید در اجرای قصاص از مقدار مشخص شده تجاوز کرد؛ هم چنین مسلمانان هرگز مجبور به یک طرف قصاص یا عفو نشده؛ اختیار آنها سلب نمی شود. عبارت «و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند.»^۱ اشاره به این دارد که اگر اولیای مقتول از قصاص صرف نظر کردند نباید در گرفتن خون بها زیاده روی کنند؛ بلکه باید با طرز شایسته ای و با توجه به مبلغ عادلانه ای که اسلام برای آنها معین کرده و در اقساطی که شخص دیگر قادر است بپردازد، از او بستانند. هم چنین قاتل نباید امروز و فردا کرده و ولی دم را آزاد دهد. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۵۶). تمام این موارد نشان از اهمیت روانداشتن ظلم در حق دو طرف دعواست.

گرچه هندسه ساختاری جهان بر اساس عفو ریخته شده است و رحمت و عفو خداوند بر غضب او سبقت گرفته است^۲ (امام سجاد، بی تا: دعای ۱۶، ۱۵۰) اما خالق

۱. «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ»

۲. «انت الذی تسعی رحمته امام غضبه»

حکیم به همه جوانب مسائل مورد اهتمام مردم نظر داشته و امری بر او مخفی نخواهد ماند؛ از این رو حتی بعد از عفو و تمام شدن ظاهری قضیه قصاص، از حق طرفین و اجرای فضائل اخلاقی غافل نباشند و به یکدیگر ظلم نکنند.

این فضیلت اخلاقی در برخی تعبیر توسط واژه «معروف» بیان گشته است. کلمه «معروف»، در اصطلاح به معنای مطلق خیر است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۵/۳۲۷) خداوند بر اساس آیه ۱۷۸ سوره بقره^۱ هم قاتل و هم مقتول را به رعایت معروف واداشته است.^۲ از این رو از آنجاکه رضایت الهی گذشتن از حق قصاص نهاده شده، به ولی دم توصیه شده است اگر بتوانند برادر دینی خویش را ببخشند. (مائده: ۴۵) این بخشش مصداق رحمت الهی است.

از طرفی جانی و یا قاتل نیز باید تابع معروف باشد و اگر ولی دم که برادر دینی قاتل خوانده شده، پذیرفت در برابر دریافت دیه، از قصاص قاتل، صرف نظر کند؛ او نیز باید با نیکوکاری و رعایت اخلاق حسنه، بدون هیچ معطلی و سرگردانی دیه مقتول را بپردازد. رعایت معروف قرآنی مورد تأیید روایات نیز قرار گرفته است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۷۶) همچنین یکی از جلوه‌های رعایت عدالت بعد از عفو، عدم تعلل در پرداخت دیه از جانب قاتل است؛ (فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۱/۳۲۸).

۳-۴. عدالت در مقام مماثله

قصاص و مقابله به مثل، از قوانین مسلم قرآنی است که عبارتی مانند «ای عاقلان،

۱. «فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ»

۲. عبارت «فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ» می‌تواند قضیه خبری یا جمله انشایی باشد. در این تحقیق فرض دستوری آن لحاظ شده است.

حکم قصاص برای حفظ حیات شماس است تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید.^۱ نشانگر اهمیت خاص این قانون حیات بخش اخلاقی - اجتماعی است. از طرفی بستر قصاص در زندگی اجتماعی به گونه ای است که پذیرش انحراف انسان از مسیر صحیح را دارد. از این رو اجرای کامل آن نیازمند رعایت شرائط تحقق بخشیدن عدالت در راستای رسیدن به هدف از آن قانون است. یکی از مصادیق جزای عادلانه در سایه قصاص، پایبندی به اصل مماثله است. (نهادندی، ۱۴۲۹: ۱/۳۹۵).

۴-۳-۱. تعریف مماثله

مماثله در فقه و حقوق بدین معناست که شروطی مثل حر بودن در مقابل حر، عبد بودن در برابر عبد و مؤنث بودن قاتل زمانی که مقتول مؤنث است باید رعایت شود؛ در زمان جاهلیت برخی از اعراب از قانون تماثل تجاوز کرده و زمانی که زن یا عبدی از قبیله آنها کشته می شد فقط به قصاص مرد و فرد آزاد راضی می شدند. (طوسی، ۱۴۳۱: ۱۰۲/۲)

اسلام این زیاده خواهی را نسخ و باطل اعلام کرد؛ بنابراین اگر قاتل، مرد و مقتول زن باشد، قانون اسلامی اجازه قصاص قاتل ذکور را تا زمان پرداخت مابه التفاوت دیه قاتل نمی دهد. همچنین اگر قاتل آزاد فقهی باشد به موجب قتل، عبد قصاص نمی شود. اسم این مراعات کردن، مماثله است.

۱۸۵

رعایت اصل مماثله کیفر و مجازات در آیاتی چون «و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید»^۲، «هر که به ستم بر

۱. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». بقره: ۱۷۹.

۲. «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَوْقَبْتُمْ بِهِ». نحل: ۱۲۶.

شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است»^۱ و «و انتقام بدی (مردم) به مانند آن بد رواست»^۲ اشاره شده است. در این آیات اشاره‌ای به تفصیل و نحوه تماثل نشده و اشتراط و یا عدم اشتراط مماثله جانی با مجنی علیه در اعتقادات و شخصیت اجتماعی و صنفی ذکر نشده است. از این رو لازم است این آیات مطلق با آیاتی که کیفیت مماثله را بیان کرده‌اند تقيید زده شوند. شرط مماثله در برخی از روایات نیز اشاره شده است. عبارتی چون «لا قصاص بین الحر و العبد» (عاملی، ۱۴۱۴: ۹۷/۲۹) شاهد این ادعاست. هم‌چنین فقهای امامیه به رعایت این شرط فتوا داده‌اند. (نجفی، بی تا: ۴۲/۹۸-۹۳).

۴-۳-۲. گستره مماثله

رعایت اصل مماثله در برخی از آیات همچون آیه ۱۹۴ سوره بقره آمده است. در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید: «ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید، که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.»^۳

در این آیه سه محور کلی برای مماثله و مقابله به مثل بیان شده است:

۱. «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ». بقره: ۱۹۲.

۲. «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا». شوری: ۴۰.

۳. «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ».

۱. قصاص در ماه‌های حرام؛^۱

براساس آیات شریفه اگر کسی حرمت ماه حرام را شکست شما حق جنگیدن با او در آن ماه را دارید؛ زیرا حفظ حرمت اسلام مهم‌تر از حرمت ماه حرام است و در فرض تراحم با یکدیگر بقای احترام اسلام و جان و مال مسلمین بر همه چیز اولویت دارد. (قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/۳۰۵) تعبیر «ماه حرام در برابر ماه حرام» همانند تعبیر «نفس در برابر نفس» در سوره مائده اصل قصاص و تماثل آن را اشاره می‌کند. این تعبیر از باب تمثیل نه تعیین هستند. زیرا قصاص در اکثر حرمت‌ها جاری است و ترکیب ادبی این گونه از جمله‌ها شبیه به هم است.

۲. مقابله به مثل، قصاص حرمت‌ها و تمام مقدسات؛^۲

مقدسات اسلامی همچون مسجدالحرام،^۳ مکه، حرم و حالت احرام^۴ مقابله به مثل دارد. در نگاه برخی از مفسرین در برگرفتن موارد سه گانه احترام حرم، ماه حرام و حالت احرام مسلمین، راز جمع آمدن تعبیر «حرمت» است. (رازی، ۱۴۰۵: ۵/۱۴۵).

۳. مماثله حاکی از قصاص در همه شئون؛

ظاهر آیه ۱۹۴ سوره بقره^۵ بدون اختصاص دادن مماثله در ماه حرام و یا حرمت، نسبت به هرگونه تعدی اجازه مقابله به مثل داده است. (جوادی، ۱۳۸۵: ۹/۶۴۷-۶۴۵). برخی از

۱. «أَلْشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ»

۲. «وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ»

۳. «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ». (بقره: ۱۹۱).

۴. حرمت حال احرام، توسط نهی از جدال و جنگ در حج: (وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) سوره بقره، آیه ۱۹۷ استفاده شده است. همچنین طبق روایات ناظر به شأن نزول این آیه، مشرکان در ماه ذی قعدة سال ششم هجرت، پیامبر و اصحاب وی را که عازم مناسک حرم بودند از آن بازداشتند. (واحدی، بی تا: ۵۸).

۵. «فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ».

مفسران اعتقاد به ارتباط علی معلولی بین این سه جمله داشته و هر یک از بخش‌های دوم و سوم این آیه را علت تشریح بخش قبلی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۹۲/۲)

درباره گستره مماثله دو دیدگاه کلی بین مفسرین وجود دارد. برخی از مفسرین مقابله به مثل را در تمام موارد تعدی جائز دانسته‌اند و آن را فراتر از قدر متیقن آن می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۴۵/۲) از این رو اگر دشمنان اسلام از سلاح‌هایی چون بمب‌های شیمیایی و گازهای سمی استفاده کردند بر اساس حکمت تشریح قانون مقابله به مثل در آیه ۱۹۴ سوره بقره، مسلمانان نیز حق استفاده از این سلاح‌ها را دارند. (رشید رضا، ۱۳۹۳: ۲/۲۱۳).

اما گروه دوم تنها اصل مقابله به مثل را پذیرفته و برای آن قیودی مطرح کرده‌اند. این گروه مدعی هستند مراد از مقابله به مثل در آیه ۱۹۴ سوره بقره^۱، مقابله در اصل مطلب است؛ نه در ابزار و وسایل؛ یعنی اگر دشمنان اسلام با تجاوز جان عده‌ای را گرفتند، مسلمانان حق دفاع داشته می‌توانند مهاجمان را به قتل برسانند؛ اما لازم نیست قصاص ایشان با همان وسیله کفار باشد. این گروه برای تأیید ادعای خویش معتقدند اطلاق حکم مقابله به مثل، در مواردی با دلیل خاص تقیید شده است؛ برای نمونه مواردی چون «عرض (آبرو)»، «شتم (بدگویی)» و «نسبت ناروا (قذف)» قصاص ندارد. این عناوین نسبت به تعدی جانی و مالی تخصصاً و نسبت به اصل کلی تعدی و حرمت شکنی تخصیصاً از قانون قصاص خارج‌اند. (جوادی، ۱۳۸۵: ۹/۶۴۸).

می‌توان در تبیین استدلال گروه اول اینگونه گفت که تخصیص قصاص در مواردی

۱. «الشُّهُرُ الْحَرَامُ بِالشُّهُرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ».

چون «قذف»، «آبرو» و «دشنام» سبب نمی‌شود که از ظاهر آیه ۱۹۴ سوره بقره دست‌برداریم. بله مواردی چون آسیب دیدن کودک، زن، سالمند و افراد غیرنظامی که به حکم عقل و یا روایات وارده تخصیص خورده است، (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۵، ص ۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۵). لزوماً از عمومیت آیه شریفه خارج می‌شود اما همان‌طور که ظاهر آیه مزبور به روشنی بیان می‌کند استفاده از ابزار، روش و یا همان حيله‌ای که کفار علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند عین عدالت بوده و مطابق اعتداء به مثلی است که خداوند کریم به مسلمانان اجازه بهره‌گیری از آن را داده است.

از طرفی فلسفه قصاص یعنی همان حیات طیبه جامعه نزد گروه دوم در موارد متعددی همچون قصاص نفس و اطراف، مقبول بوده است چرا به یک‌باره این فلسفه سترگ در مصداقی وسیع‌تر یعنی جنگ با کفار اصلاً لحاظ نشده و یا کم‌رنگ دیده می‌شود. شاهد سوم استفاده از قانون اهم و مهم است که اجازه برخورد قاطعانه برای حفظ جان مسلمین با ابزارهای متنوع را می‌دهد تا با حفظ جان و عرض و آبروی مسلمانان از کیان اسلام محافظت شود.

اما طبق مبنای قاعده پیش‌گفته یعنی قانون طلایی اخلاق یا قاعده زرین اخلاق که به بیان امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به فرزندش: «ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند،» (ابن شعبه حرانی: ۷۴/۱۴۰۴) نمی‌توان به راحتی اطلاق آیه را بر اساس موازین اخلاقی دانست و لذا دیدگاه دوم تقویت می‌شود. بر این اساس هر چند اصل مماثله در اعتداء مورد پذیرش

است اما در زاویه ابزارها و روش های مماثله مقید به قیود اخلاقی خواهد شد.

الف) مماثله در شئون اجتماعی

از آیه ۱۷۸ سوره بقره «ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد، و بنده را به جای بنده، و زن را به جای زن قصاص توانید کرد.»^۱ تماثل در سه قید «ذکوریت»، «حریت» و «رقیت» قابل برداشت است. این آیه برای آیاتی که اشاره ای به کیفیت مماثله ندارند در حکم مقید است. آیه ای چون آیه ۴۵ مائده «و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص خواهد بود.»^۲ که تنها اصل قصاص نفس را متذکر شده و اشاره ای به نحوه مماثله ندارد. (نهاوندی، ۱۴۲۹: ۱/۳۹۵) البته قیود دیگری نیز در مماثله باید رعایت گردد که آیه ۱۷۸ سوره بقره بدانها اشاره ای نکرده است. یکی از این قیود «مسلمان بودن» مقتول است؛ بنابراین به سبب قتل کافری مسلمان قصاص نمی شود. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳/۳۴۴) گرچه مماثله در اسلام در این آیه نیامده اما از آیه ۱۴۱ سوره نساء^۳ قابل استفاده است.

برخی از مفسرین معتقدند گرچه آیه ۱۷۸ سوره بقره به مماثله در سه حیطة ذکوریت، رقیت و حریت اشاره داشته؛ اما نسبت به قصاص طرف و جوارح مطلق بوده

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى»

۲. «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ».

۳. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

و متعرض قصاص طَرَف نشده است، از این رو راجع به قصاص طَرَف نسبت به اشتراط یا عدم اشتراط تماثل در حریت، رقیّت، ذکورت و انوثت به اطلاق خود باقی است. (جوادی، ۱۳۸۵: ۱۶۷/۹)

به نظر، این دیدگاه صحیح نیست چراکه آیه ۱۷۸ سوره بقره آیه‌ای است که در حقیقت مسئولیت بیان کیفیت مماثله در قصاص قتل جان را داشته و همان‌طور که از کلمات مذکور در آن آیه مشاهده می‌گردد؛ تنها مناسب قتل و کشتن جان است و شامل جراحت زدن به اعضای بدن و قصاص آن نیست.

مؤید این ادعا کلمه «القتلی» است. این واژه جمع مُحَلّی به الف و لام بوده که تنها دلالت به کشتن اعم از مقتول در قتل عمد و مقتول در قتل خطایی و شبه عمد داشته و قصاص اعضاء و جوارح را در بر نمی‌گیرد. از این رو در کشتن قاتلی که جان انسان دیگر را گرفته مماثله در آزاد بودن و مرد بودن باید رعایت شود اما در قصاص جراحت و قطع اعضای بدن آیه ساکت و در اصطلاح در مقام بیان نیست تا بتوان از آن اطلاق‌گیری کرد. مؤید دیگر روایاتی است که مماثله در حریت و عبد بودن را بیان کرده است. (عاملی، ۱۴۱۴: ۹۷/۲۹). همچنین در برخی تعبیر «لا قصاص بین الحر و العبد» آمده است. واژه «قصاص» بدون اضافه شدن به واژه «القتلی» شامل تمام موارد قصاص یعنی قصاص اصل (کشتن) و اعضا و جوارح می‌گردد؛ اما در آیه شریفه کلمه قصاص به واژه «القتلی» اضافه شده که نتیجه آن در مقام بیان نبودن آیه نسبت به قصاص اعضاء و قصاص جراحتی است. مؤید دیگر استناد فقهای امامیه به چنین روایاتی برای تعمیم مماثله در قصاص نفس و اطراف است. (نجفی، بی تا: ۹۸/۴۲-۹۳) نتیجه آنکه محور آیه مزبور در خصوص قتل خواهد بود.

لازم به ذکر است این مماثله در جایی که قاتل مرد و مقتول زن باشد قدری با درنگ

همراه است چرا که مطابق فقه امامیه اگر مردی زنی را به عمد بکشد ولی دم زن با پرداخت نصف دیه می تواند مرد را قصاص کند. این حکم به ضمیمه آنکه دیه در قتل عمد تصالحی است و به رضایت قاتل نیاز دارد، در عمل گاه مشکل آفرین است زیرا برخی اوقات این شبهه را ایجاد می کند که ارزش زن نصف ارزش مرد است و به علاوه برخی اوقات ولی دم زن توانایی پرداخت فاضل دیه را ندارد و قاتل هم حاضر به مصالحه نیست! در نتیجه خون زن در معرض هدر رفتن است. برای حل این مشکل برخی پژوهشگران ضمن بیان سه راه تساوی قصاص زن و مرد، پرداخت فاضل دیه زن از بیت المال و تصالحی ندانستن دیه و امکان اجبار قاتل بر پرداخت نصف دیه راه سوم را بهترین راه می دانند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ش ۴۵، ۱۱۶)

ب) مماثله درباره اعضای خاص

یکی دیگر از مصادیق مماثله، یکسانی قصاص در اعضای قاتل و مقتول است. به طوری که در باب قصاص نفس در برابر نفس، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی نهاده شده و همچنین هر عضوی که جانی از یک انسان سلب کرده همان عضو از خودش گرفته می شود؛ و در کوتاه ترین سخن با جانی همان معامله می شود که او با مجنی علیه کرده است. این حکم به طور عادلانه و بدون هیچ گونه تفاوت از نظر نژاد و طبقه اجتماعی و طایفه و شخصیت اجرا می گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۶/۴۹۷) آیه ۴۵ سوره مائده «و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به

دندان، و هر زخمی را قصاص خواهد بود.^۱ به یکسانی کیفیت قصاص عضو خاص اشاره دارد.

بر اساس مفاد آیه نباید در قطع و یا جراحی گوش، چشم جراحی دهنده قطع و یا مجروح شود؛ بنابراین عدالت به معنای مثل هم بودن در قصاص چشم در برابر چشم، گوش در برابر گوش، بینی در برابر بینی و دندان در برابر دندان رعایت شود. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵/۵۶۳) هم‌چنین تماتل و یکسانی در سلامت عضو خاص نیز باید رعایت شود. از این رو در برابر عضو مجروحی که فشل و غیر سالم بوده، نمی‌توان عضو سالم ضارب را قصاص کرد. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳/۳۴۴) از طرفی آیه مزبور نسبت به کیفیت مثل هم بودن مطلق است و به مماثلت در اسلام و کفر، آزاد بودن و عبدیت، مرد بودن و زن بودن طرفین اشاره‌ای نکرده است. عبارت «النفس بالنفس» در این آیه تنها به اصل قصاص اشاره کرده و قیود اعتقادی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی افراد و نحوه قصاص در آن‌ها نیامده است.

نتیجه‌گیری

اخلاق به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه دین اسلام همواره مورد اهتمام پیامبر اسلام و اهل بیت بوده است. حتی در یک نگاه دقیق فلسفه آیات اعتقادی و آیات الاحکام رشد اخلاقی جامعه و تربیت انسانهاست. ضمانت اجرایی که اخلاق محقق می‌سازد زمینه‌ساز امنیت بخشیدن به جامعه و ایمن‌سازی افراد است. تحقق رؤیای مدینه فاضله و اجتماع خالی از آسیب‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن فضایل اخلاقی میسر نیست زیرا

۱. «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا انِ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنِ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفِ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُورَ قِصَاصٌ»

احکام و قوانین به تنهایی نمی‌تواند افراد را بر مدار عدالت قرار دهد چراکه نهایت اثر قانون، عادت‌سازی رفتارهای اجتماعی و ایجاد نظم است؛ اما زمانی که اخلاق در فکر و رفتار افراد جامعه رسوخ کند به خصوص وقتی که انسان‌ها در پرتو آموزه‌های قرآنی تربیت شوند با اجرای عدالت اخلاقی، از بروز رفتارهای ناسالم اجتماعی همچون قتل و هدر دادن خون یکدیگر جلوگیری و ممانعت می‌کنند. بر این اساس و در سایه تربیت اسلامی و پروسه بهبودسازی جامعه از آفت قتل است که در نگاه آیات و روایات قاتل را استغفار می‌دهند و اجازه نمی‌دهند خانواده مقتول بیش از یک‌دفعه او را قصاص کنند. همچنین برای جلوگیری از ارتکاب دوباره قتل، اخلاق اسلامی به‌عنوان یک معلم به تربیت قاتل می‌پردازد. از این روی و جهت برقراری حق قصاص مبتنی بر اخلاق اسلامی است که آیات قصاص با محوریت فضیلت بسیار مهم عدالت به تبیین این هنجار اجتماعی و تاثیر عدالت در اجرای قصاص می‌پردازد. در این راستا عدالت در آیات قصاص قرآن کریم به سه معنای کلی «مساوات در کمیت»، «رعایت عدالت اخلاقی بعد از عفو و قصاص» و «هم مثل بودن جنایت و جزا» اشاره دارد و عدالت به معنای سوم شامل «مماثله در ذکوریت، حریت و عبد بودن» و «مماثله در اعضای خاص» می‌شود. نتیجه حاصل از این نگاه آن است که خشن‌ترین حکم قرآنی همچون قصاص آنچنان با خمیرمایه فضیلت اخلاقی عدالت عجین می‌گردد که لطافت حکم قصاص را موجب می‌شود و آن را حکمی اخلاقی و لازم‌الاجراء می‌نمایاند.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، *تحف العقول فی اخبار آل الرسول*، چ ۲، قم، جامعه مدرسین.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: هارون عبدالسلام محمد، مکتب الإعلام الإسلامی، قم.
۳. آذرخشی، مصطفی و دیگران (۱۳۸۹)، «تحقیق در متن و اسناد حدیث ان الله خلق آدم علی صورته و نقد دیدگاه ابن عربی»؛ مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۴. استرول، اوروم و پاییکن (۱۴۰۲)، *کلیات فلسفه*، ترجمه: سیدجلال الدین مجتوبی، چاپ سوم، حکمت، تهران.
۵. اسلامی، سید حسن (۱۳۸۶)، «قاعده زرین در حدیث و اخلاق»، مجله علوم حدیث، شماره ۴۵-۴۶، پائیز و زمستان.
۶. آملی، سید حیدر (۱۳۷۴)، *المحیط الأعظم و البحر الخصم فی تاویل کتاب الله العزیز الحکیم*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۷. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۰)، *چهل حدیث*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۸. امام سجاد، علی بن حسین (بی‌تا)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه: مهدی الهی قمشهای، موسسه انتشارات اسلامی، قم.
۹. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۲۰۰۳)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۰. بوسلیکی، حسن (۱۳۹۲)، *اخلاق کاربردی*، نسخه دیجیتال.
۱۱. توفیقی، حسین (۱۳۹۷)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چاپ هفدهم، ویراست دوم، سمت، تهران.
۱۲. حاجی ده‌آبادی، احمد، (۱۳۸۸)، «فاضل دیه و حیظه اختیار ولی دم در قتل زن»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۴۵.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۵)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تعلیقه جعفر سیحانی، موسسه امام صادق، قم.
۱۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۸)، *اخلاق و مذهب*، چاپ پنجم، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران.

۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، اخلاق درشش دین جهان، ترجمه محمد حسین وقار، چاپ دوم، اطلاعات، تهران.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، چاپ اول، اسراء، تهران.
۱۷. رازی، فخرالدین محمد (۱۴۰۵)، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بدارالفکر، بیروت.
۱۸. رشید رضا، محمد (۱۳۹۳)، تفسیر المنار، چاپ دوم، دارالفکر، بیروت.
۱۹. سوری، جمال الدین مقداد (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: محمدباقر شریف زاده، چاپ پنجم، مرتضوی، تهران.
۲۰. صدرالمتهین، محمد (۱۳۸۳)، شرح اصول الکافی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۲۱. _____ (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن، انتشارت بیدار، قم.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۶)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، چاپ بیست و دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۳. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن (۱۴۲۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۳۱)، التیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، ذوی القربی، قم.
۲۵. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق: موسسه آل البیت، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۲۷. فیض کاشانی، محمد (۱۳۸۴)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، حسنین، تهران.
۲۸. _____ (۱۴۰۶)، الوافی، مکتبه امیر المومنین، اصفهان.
۲۹. _____ (۱۴۲۹)، کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محسن الحسینی الامینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۹)، تفسیر نور، چاپ پنجم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران.
۳۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چ ۶، تهران.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۵)، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق: صدقی محمد جمیل، چاپ اول، دارالفکر، بیروت.
۳۳. قمی، شیخ عباس (۱۴۲۲)، سفینه البحار، اسوه، تهران.

۳۴. کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۱)، **الکافی**، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دار صعب و دارالتعارف، بیروت.
۳۵. مازندرانی، محمد صالح (۱۳۴۲)، **شرح جامع اصول الکافی**، مکتبه الاسلامیه، تهران.
۳۶. محمدی، مسلم (۱۳۹۵)، «تمایز و وابستگی راهکاری منطقی در گفت‌وگوی فقه و اخلاق»، پژوهش‌های فقهی، شماره ۲، تابستان، دوره دوازدهم.
۳۷. محمدی، مسلم (۱۳۹۲)، «اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مؤلفه تربیت اخلاقی و عدالت ورزی»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۱، سال ششم، پاییز.
۳۸. _____ (۱۳۸۹)، «واکاوی مورد پژوهانه اکمال اخلاقی و عدالت‌طلبی در عصر ظهور با توجه به ماهیت نظام اخلاقی دین»، مشرق موعود، شماره ۱۴.
۳۹. مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۸۳)، **تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق**، بیدار، قم.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۳)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۱. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، **مجموعه آثار**، صدرا، تهران.
۴۲. نراقی، ملا مهدی (۱۴۲۲)، **جامع السعادات**، تعلیقه سید محمد کلانتر، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۴۳. نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۴. نوری (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسایل**، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم.
۴۵. نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم (۱۴۲۹)، **نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، مرکز الطباعه و النشر فی موسسه البعثه، قم.
۴۶. واحدی، ابی الحسن علی بن احمد (بی‌تا)، **اسباب النزول القرآن**، تحقیق: مال بسیونی زغلول، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴۷. ورام، ابن ابی فراس (بی‌تا)، **مجموعه ورام**، مکتبه الفقیه، قم.